

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه- کابل
۲۳ دسمبر ۲۰۲۰



یونس نگاه

دل دادگان بادر

قدیم‌ها که شما هنوز به دنیا نیامده بودید، افغانستان در بند بود. پاکستان، ایران، امریکا و بسیار کشورهای دیگر زنجیرهای سنگین و چند قاته به دست و پای و گردن پدران ما پیچانده بودند و مثل گاو بالای‌شان زمین‌ها را قلبه کرده تریاک می‌کاشتند، مثل خر بار سوریه و عراق و کشمیر را بدوش‌شان می‌کشیدند، و مثل سگ در ناگورنو قره‌باغ، قندهار، بوسنی، قندز، کجا و کجا می‌جنگانده‌شان.

آن زمان انترنیت نبود، مکتب و درس و تحصیل محدود بود و مردم از چنودچون جهان چندان اطلاع نداشتند. تقصیرشان نبود. از آدم‌های بی‌خبر، جهان‌ندیده، و چشم بسته چه می‌توان انتظار داشت؟ شب که خسته و مانده از جنگ، تریاک‌کاری، آدم‌کشی، دزدی و انفجار بر می‌گشتند دو به دو یا چند به چند می‌نشستند و از بزرگان بین‌المللی خود تمجید می‌کردند.

یکی می‌گفت: "یارا، ترمپواری نر کم پیدا می‌شه. یک شینگ خراباتی مالوم میشه. هرچه ده دلش باشه به زبان میاره، ده قصه فلک نیس." دیگری می‌گفت: "مه میگم قربان عمران خان. هیچ کس به پایش نمی‌رسه. رسم و عنعنات مردم ما و شماره خوب می‌فامه، ده زبان پشتو گپ زده می‌تانه، پیران تمبان می‌پوشه و نماز خوان آم اس. حتی ده سفر هم نمازشه قضاء نمی‌کنه. ندیدین که ده روی سبزی ارگ نماز خوانده بود."

سومی، می‌گفت "به نظر مه کسی به اندازه ظریف هوشیار نیس. کلمات فارسی ره بسیار بجا و شسته تلفظ می‌کنه، ده وخت گپ زدن لبخند می‌زنه، و برای هرکار حکومتش یک توجیه شیرین و مستدل می‌گویه. بکرقم گپ می‌زنه که بگوئی ده ایران حکومت فرشتگان باشه. مه خو می‌گم ده بار شهادت د کشمیر به یکبار زخمی شدن د حلب نمی‌ارزه. آدم

اگه کشته شوه خو بیس که ظریفواری آدم خندان و خوش کلام به روحش اجماعاً صلواتی بفرسته. عمران خان خو نه پشتو ره سچه بلده، و نه دعا ره به تجوید خوانده می‌تانه."

نفر اول باز می‌گفت: "بری مه زبان و پیران تمبان و صلوات ملوات مهم نیس. مه اگه کشته شوم ده زیر بیرق یک آدم خراباتی مثل ترمپ می‌خوایم جان بتم. شما ره دل‌تان."

بعد از چند لحظه کال مکالمه اگر گپ به جنگ و ماشه‌کشی نمی‌رسید، می‌رفتند نماز می‌خواندند، خدا را شکر کرده تعدادی می‌خوابیدند تا فردا زودتر به "وظیفه" برگردند، و تعدادی تا نیمه‌های شب اضافه‌کاری می‌کردند. از دیوار همسایه بالا می‌رفتند، بمباروت توزیع می‌کردند، مکتب می‌سوختاند و یا تریاک بسته‌بندی می‌کردند.

از روزگارتان لذت ببرید. امیدوارم آن روزهای سخت نه در افغانستان دیگر تکرار شود و نه در هیچ جای دیگر جهان.